

بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری

امید پورحیدری *

عارف فروغی **

چکیده

نفوذ مدیران به ویژه مدیرعامل شرکت می‌تواند در راستای کنترل تولید اطلاعات حسابداری به‌کارگرفته شود و موجب مدیریت بر زمان‌بندی افشای اطلاعات و کیفیت اطلاعات ارائه شده، هم‌راستا با منافع مدیریت گردد. بنابراین این پژوهش با هدف بررسی تأثیر نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت پذیرفته است. در این پژوهش، قدرت مدیریتی با استفاده از معیارهای دوره تصدی مدیرعامل، دوگانگی نقش مدیرعامل و استقلال هیأت مدیره اندازه‌گیری شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندمتغیره بهره گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌های زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ را شامل می‌شود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بود که به موقع بودن اطلاعات حسابداری رابطه منفی و معناداری با قدرت مدیریتی دارد لیکن بین کیفیت افشای اطلاعات حسابداری و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری با قدرت مدیریتی رابطه معناداری یافت نشد. نتایج بیانگر این مطلب است که اگرچه مدیران از قدرت خویش در راستای زمان‌بندی افشای اطلاعات بهره می‌جویند، لیکن از این قدرت در راستای صدمه زدن به قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری استفاده نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: به موقع بودن، قابلیت اتکا، قدرت مدیریتی، کیفیت افشا.

* استاد گروه حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول) Opourheidari@uk.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

مقدمه

افشای اطلاعات، نقش اساسی در تصمیم‌گیری‌های صحیح و آگاهانه گروه‌های مختلف استفاده‌کننده به ویژه سرمایه‌گذاران دارد اما واحدهای اقتصادی بدون فشارهای خارج از سازمان و الزامات قانونی و حرفه‌ای، تمایلی به افشای کافی اطلاعات مالی ندارند، زیرا افشای اطلاعات هزینه‌بر است. اهداف حسابداری و گزارشگری مالی ایجاب می‌کند که اطلاعات مربوط به گونه‌ای مطلوب افشا شوند و دسترسی به این اطلاعات برای همگان ممکن باشد. با این حال نگرانی‌هایی در ارتباط با قدرت مدیریت که ممکن است مانع از افشای کامل اطلاعات شود وجود دارد. مدیریت در مسیر اصلی فعالیت‌های شرکت نقش اصلی را بر عهده دارد (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری مالی^۱، ۱۹۷۸).

مدیریت عموماً به عنوان یکی از قدرتمندترین اعضای شرکت‌ها شناخته می‌شود. قدرت مدیریت به طور معمول به سبب اختیارات قانونی و همچنین دانش وسیع او از شرکت‌هایی است که در آن فعالیت می‌کند. مدیریت به سبب قدرت بالای خود تأثیر قابل توجهی بر جهت‌دهی اهداف و برنامه‌های شرکت، ساختار و فرآیندهای داخلی شرکت دارد (دیلی و جوهورسون^۲، ۱۹۹۷). احتمال اینکه مدیریت از قدرت و نفوذ خود در جهت رفتارهای فرصت‌طلبانه استفاده کرده و بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری اثر گذارد دور از انتظار نیست. در چنین شرایطی مطالعه تأثیر نفوذ و قدرت مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری ارزش نظری و اهمیت عملی برای افزایش شفافیت اطلاعات حسابداری و بهبود اثر بخشی بازار سرمایه دارد. با توجه به مطالب مطرح شده و با توجه به اهمیت متغیرهای کیفیت افشا برای مشارکت‌کنندگان بازار سرمایه، در این پژوهش به بررسی تأثیر قدرت و نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازیم.

پیشینه نظری پژوهش

قدرت مدیرعامل توجه بسیاری از محققان حوزه‌های اقتصادی، مالی، مدیریت و روانشناسی را به خود جلب کرده است. موقعیت مدیرعامل به عنوان یک منبع قدرت در

1. Financial Accounting Standards Board (FASB)

2. Daily & Johnson

نظر گرفته می‌شود (هامری و کاکاریکا^۱، ۲۰۰۹) و عموماً به عنوان معمار اصلی سازوکارهای نوآوری شرکت (برگر و همکاران^۲، ۲۰۱۶) و عامل اصلی ایجاد ارزش برای سهامداران تلقی می‌شود در حالی که اگر منافع مدیرعامل با منافع سهامداران همسو نباشد، در این صورت نفوذ و قدرت مدیرعامل مشکل ساز می‌گردد (جنسن^۳، ۱۹۹۳).

طبق دستورالعمل‌های راهبری شرکتی، مدیرعامل به عنوان منبعی از قدرت اجرایی بر هیأت مدیره نفوذ دارد. یرماک^۴ (۱۹۹۶) نشان داد شرکت‌هایی که رئیس هیأت مدیره مستقل و غیر موظف باشد عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های تحت نفوذ مدیرعامل دارند. گل و لئونگک (۲۰۰۴) بیان می‌کنند در شرکت‌هایی که مدیریت رئیس هیأت مدیره است کیفیت افشای اطلاعات حسابداری کاهش می‌یابد. کیفیت اطلاعات حسابداری بر کارایی و اثر بخشی تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد. از این رو کیفیت اطلاعات حسابداری، به موقع بودن اطلاعات و قابلیت اتکا اطلاعات از عوامل موثر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران می‌باشد که احتمال تأثیرپذیری آن‌ها از قدرت مدیرعامل وجود دارد که در ادامه، به هر کدام بصورت مفصل پرداخته خواهد شد.

قدرت مدیرعامل و کیفیت افشا

در مطالعات اقتصادی، مدیریت و سازمان، قدرت مدیرعامل به طور گسترده بررسی شده است. در مطالعات اقتصادی قدرت مدیرعامل به عنوان یک موضوع نمایندگی مطرح می‌شود، به این صورت که با افزایش قدرت، تثبیت جایگاه مدیریت افزایش می‌یابد که این امر منجر به افزایش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران می‌شود، که در نتیجه تأثیر مدیریت بر تصمیمات راهبردی اثرگذار در شرکت، از جمله کیفیت افشای اطلاعات افزایش می‌یابد (شاه و استگلیز^۵، ۱۹۸۶). کیفیت افشاء میزان اطلاعاتی است که از سوی شرکت‌ها در متن صورت‌های مالی اساسی یا در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی برای کمک به تصمیم‌گیری ارائه می‌شود. این اطلاعات توضیحات مفصلی را در مورد وضعیت مالی و نتایج حاصل از عملکرد شرکت را ارائه می‌کند. افشاء یکی از خصوصیات کیفی مرتبط با ارائه اطلاعات حسابداری است و بر اساس این خاصه بایستی کلیه اطلاعات

1. Hamori & Kakarika
2. Berger et al
3. Jensen
4. Yermack
5. Sah & Stiglitz

مربوط به فعالیت‌های شرکت به نحو مناسب و به موقع، در اختیار گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار گیرد. در واقع هدف اصلی از افشای اطلاعات کمک به استفاده‌کنندگان در تصمیم‌گیری مربوط به سرمایه‌گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت و پیش‌بینی جریان‌های وجوه نقد آتی است. در این راستا باید تمام واقعیت‌های مهم واحد اقتصادی به گونه‌ای مناسب و کامل افشا شوند تا حتی‌الامکان اتخاذ تصمیم فراهم و از سردرگمی جلوگیری شود. افشا باید از طریق گزارش‌های قانونی شامل صورت‌های مالی اساسی حاوی تمامی اطلاعات مهم مربوط و به موقع ارائه شود. این اطلاعات باید قابل فهم و حتی‌الامکان کامل باشند تا امکان اتخاذ تصمیمات آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان فراهم آورند (همت‌فر و مقدسی، ۱۳۹۲).

افشای کامل اطلاعات باعث افزایش ارزش سهام و افزایش جذب سرمایه می‌شود و به طور کلی باعث افزایش رشد شرکت می‌شود، اصل افشاء خواستار افشای اطلاعات مربوط در صورت‌های مالی به گونه‌ای است که از یک طرف امکان تصمیم‌گیری آگاهانه برای استفاده‌کنندگان را فراهم کند و از طرف دیگر باعث گمراهی آنان نشود، هدف اصلی افشاء آگاه کردن تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران درباره‌ی مبلغ و زمان‌بندی جریان‌های نقدی آتی است تا تحلیل‌گران مالی و سرمایه‌گذاران پیش‌بینی بهتری از سودهای آتی داشته باشند. بنابراین شفافیت و افشای بهتر برای سهامداران، اطلاعات‌دهندگی بهتری ایجاد می‌کند (دسای و همکاران^۱، ۲۰۰۴).

با این حال نگرانی‌هایی در ارتباط با قدرت مدیریت که ممکن است مانع از افشای کامل اطلاعات شود وجود دارد. مدیریت در مسیر اصلی فعالیت‌های شرکت نقش اصلی را بر عهده دارد، مدیران دارای قدرت بالایی از کنترل در تمامی بخش‌های شرکت هستند قدرتی که به طور مداوم در حال افزایش است و مدیران را در موقعیت مناسبی در شرکت قرار می‌دهد، سیاست افشای اطلاعات در شرکت‌ها از هیأت مدیره نشأت می‌گیرد شرکت‌هایی با هیأت مدیره قوی، بیشتر به دنبال سیاست‌های افشای اطلاعات هستند و شفافیت مالی بیشتر را تضمین می‌کنند (گل و لنگ^۲، ۲۰۰۴).

افزایش قدرت مدیران کاهش قدرت نظارتی هیأت مدیره را به دنبال دارد. در عین

1. Desai et al
2. Gul & Leung

حال، مدیران با تأثیرگذاری بر اطلاعات حسابداری به دنبال استفاده از قدرت خود برای دستیابی به منافع شخصی هستند تا از این طریق به مزایای بیشتری دست یابند که این امر منجر به کاهش کیفیت افشای اطلاعات حسابداری می‌شود (سان و لو^۱، ۲۰۱۷). با توجه به تئوری نمایندگی و تضاد منافع بین مدیریت و مالکیت، قدرت بالای مدیریت می‌تواند منجر به سوء استفاده مدیریت از اطلاعات گردد بنابراین انتظار می‌رود قدرت مدیریت موجب تأثیرگذاری بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری شود به گونه‌ای که کیفیت آستانه‌ای اطلاعات حسابداری که مدنظر است کاهش یابد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد، در راستای تقویت و بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری و اجزای آن، یک ساختار حاکمیتی قوی فراهم گردد که مدیرعامل نقش دوگانه در شرکت نداشته باشد، نقش دوگانه مدیران استقلال هیأت مدیره را محدود می‌کند و توانایی نظارتی هیأت مدیره کاهش می‌یابد بنابراین مدیران می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر تغییرات اساسی در شرکت‌ها و بیشترین تأثیر را بر افشای اطلاعات در بازار سرمایه داشته باشند (لی و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

جریان درست اطلاعات در بازار بر اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان منجر می‌شود و در نهایت توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد (پیری و همکاران، ۱۳۹۳). کیفیت افشای اطلاعات حسابداری منافع اقتصادی سهامداران و مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد به گونه‌ای که آن‌ها را مجبور به اعمال برخی از تأثیرات بر اطلاعات حسابداری به منظور افزایش منافع خود می‌کند. مدیریت به دلایل گوناگونی از جمله؛ افزایش منافع شخصی و افزایش قدرت، بر اطلاعات حسابداری تأثیر می‌گذارند، که موجب افزایش تنش بین مالکیت و مدیریت می‌شود، در چنین شرایطی، مدیریت باید سیاست‌های حسابداری سودمند، برآوردهای حسابداری و سایر روش‌ها را برای دستکاری درآمدهای حسابداری انتخاب کند تا کیفیت اطلاعات حسابداری را کاهش دهند. مدیریت برای پنهان کردن دستکاری درآمد به سهامداران (مالکان) اطلاعات غلط، ناقص و مبهم ارائه می‌کند که منجر به کاهش کیفیت افشای اطلاعات حسابداری می‌شود (سان و لو، ۲۰۱۷). لذا انتظار داریم:

فرضیه اول: افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش کیفیت افشای اطلاعات می‌شود.

قدرت مدیرعامل و به موقع بودن

ارائه به موقع اطلاعات یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری است و از اهمیت ویژه‌ای در متون حسابداری برخوردار است. به موقع بودن عامل مهمی در ارتقاء و بهبود ویژگی‌های کیفی اولیه نظیر مربوط بودن و بیان صادقانه است. از این رو، هر چه اطلاعات به موقع باشند، کیفیت اطلاعات نیز بهبود می‌یابد (بورین^۱، ۲۰۰۸).

استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری به اطلاعات دقیق و به موقع برای اخذ تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری‌شان نیاز دارند. اطلاعات ارائه شده توسط مدیران قدرتمند زمانی مهم و اثرگذار خواهند بود که به موقع باشند. در واقع اگر اطلاعات به موقع (بهنگام) نباشند نمی‌توانند بر تصمیمات اثر بگذارند یعنی اطلاعات پیش از اینکه توان اثرگذاری خود را بر تصمیمات از دست بدهند باید در دسترس تصمیم‌گیرنده قرار گیرند. به موقع بودن اطلاعات یکی از عوامل بازدارنده است که بر سر راه انتشار اطلاعات قرار دارد و انتشار اطلاعات حسابداری باید دارای سرعت لازم باشد تا بتوان اطمینان یافت که در زمان لازم در دسترس استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرند و همچنین به موقع بودن اطلاعات به این معنی است که باید صورت‌های مالی را در زمان مشخص و به طور مرتب ارائه کرد تا تغییرات انجام شده در وضعیت شرکت را به آگاهی استفاده‌کنندگان برساند و اطلاعات جدید بتوانند در تصمیمات استفاده‌کنندگان اثر بگذارند (هندریکسن^۲، ۱۹۹۲). با توجه به اینکه مدیران دسترسی بیشتری به اطلاعات خصوصی دارند و بر طبق تئوری نمایندگی و تضاد منافع بین مدیریت و مالکیت این احتمال وجود دارد که مدیریت منافع حاصل از افشای اطلاعات را از طریق کاهش افشای اطلاعات به موقع و دقیق به صورت عمومی حفظ کند. از این رو مدیران قدرتمند به دلایل گوناگونی از جمله؛ افزایش منافع شخصی و افزایش قدرت بر زمان‌بندی افشای اطلاعات تأثیر می‌گذارند (سان و لو، ۲۰۱۷). لذا انتظار داریم:

فرضیه دوم: افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش به موقع بودن اطلاعات می‌شود.

قدرت مدیرعامل و قابلیت اتکا

اطلاعاتی قابل‌اتکاست که عاری از اشتباه و تمایلات جانبدارانه بااهمیت باشد و به‌طور

1. Bowrin
2. Hendriksen

صادقانه معرف آن چیزی باشد که مدعی بیان آن است یا به گونه‌ای معقول انتظار می‌رود بیان کند. بیان صادقانه، رجحان محتوا بر شکل، بی‌طرفی، احتیاط و کامل بودن ویژگی‌های لازم برای قابل‌اتکا بودن است.

هیأت استانداردهای حسابداری مالی قابل‌اتکا بودن اطلاعات را در گروه سه ویژگی می‌داند؛ صداقت در معیار سنجش، قابل‌تأیید بودن و بی‌طرفانه بودن. صداقت در معیار سنجش بیانگر این است که اگر قرار است کسی به یک دسته اطلاعات وابسته باشد لازم است این اطلاعات در گزارش نمودن پدیده‌ای که قصد بیان یا ارائه آن را دارد صادق باشد. قابل‌تأیید بودن اطلاعات در نشریه شماره یک از مطالعات تحقیقاتی حسابداری، واژه قابل‌تأیید را اینگونه تعریف کرده است؛ اطلاعات به گونه‌ای ارائه شود که بدون تعصب باشد و بتوان آن را به وسیله یک صاحب‌نظر و پژوهشگر دیگر تأیید کرد. در رابطه با بی‌طرفی هیأت استانداردهای حسابداری مالی بیان می‌کند، بی‌طرفی عبارت است از عاری از تعصب بودن و هیچ‌گونه جهت‌گیری در ارائه اطلاعات وجود نداشته باشد (هندریکسن، ۱۹۹۲). اطلاعات افشا شده باید قابل‌تأیید و به صورت بی‌طرفانه ارائه شده باشند، در واقع اطلاعات افشا شده باید از قابلیت اتکا برخوردار باشند. در حالی که بر طبق تئوری نمایندگی، در شرکت‌هایی که مدیریت دارای قدرت است، این احتمال وجود دارد که مدیریت در ارائه اطلاعات به صورت بی‌طرفانه عمل نکند و در جهت دستیابی به منافع شخصی حرکت کند که منجر به سوء استفاده از اطلاعات و کاهش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری می‌گردد (سان و لو، ۲۰۱۷). لذا انتظار داریم:

فرضیه سوم: افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش قابلیت اتکای اطلاعات می‌شود.

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های متعددی در خصوص عوامل موثر بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری انجام گرفته است. گلاسر^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی تأثیر افشای اطلاعات خصوصی بر افشای اطلاعات شرکت‌ها و شفافیت اطلاعاتی را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از این بود که افشای داوطلبانه اطلاعات عمومی منجر به کاهش افشای اطلاعات خصوصی می‌شود. فوربس و همکاران^۲ (۲۰۱۸) به بررسی کیفیت افشای اطلاعات، هنگامی که اهداف کیفی

1. Glaeser

2. Forbes et al

افشای اطلاعات را تنظیم می‌کنند پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت‌های گزارش‌دهنده تازه وارد و رقبای آن‌ها، کیفیت اطلاعات خود را وقتی که با افشای اطلاعات مواجه باشند مدنظر قرار می‌دهند که این امر منجر به بهبود کیفیت اطلاعات می‌شود. گل و لئونگ (۲۰۰۴) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که مدیران شرکت، زمانی که همزمان به عنوان رئیس هیأت مدیره نیز انتخاب می‌شوند، موجب کاهش کیفیت افشای اطلاعات حسابداری می‌گردند. ایاتریدیس (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای افشای اطلاعات حسابداری، کیفیت اطلاعات حسابداری و محافظه‌کاری مشروط و بدون قید و شرط را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشانگر این بود که شواهد نشان‌دهنده عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از ضرر و زیان برای شرکت‌های با اهرم مالی بالا است، که منجر به افشای اطلاعات حسابداری با کیفیت بالا می‌شود. در مقابل شرکت‌هایی که در مرحله رشد قرار دارند، اطلاعات حسابداری کمتر محافظه‌کارانه و کم‌اهمیت‌تر را منتشر می‌کنند که چشم‌انداز رشد شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عربی و همکاران^۱ (۲۰۱۸) تنوع جنسیتی هیأت مدیره و افشای اطلاعات را در کشور اردن مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از این بود که تنوع جنسیتی در هیأت مدیره تأثیر مثبتی بر سطح افشای اطلاعات حسابداری دارد. ناگاتا و نگوین^۲ (۲۰۱۷) به بررسی ساختار مالکیت و کیفیت افشای اطلاعات پرداختند. نتایج حاکی از این بود که سرمایه‌گذاران فعال قادر به تشویق شرکت‌ها به افشای مطلوب‌تر اطلاعات هستند در حالی که سرمایه‌گذاران با کسب و کارهای مشابه با یکدیگر و با دسترسی به اطلاعات خصوصی شرکت‌ها باعث ایجاد محدودیت جهت دسترسی سایر سرمایه‌گذاران به اطلاعات می‌شود. هانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۷) قدرت مدیرعامل، رقابت در بازار محصول و کسب‌انگیزه برای حرکت عمومی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که رقابت در بازار محصول و قدرت عملکرد مدیران بر استراتژی رشد پس از عرضه اولیه عمومی و پیامدهای اقتصادی حاصل از آن اثر مثبت دارد. هان و همکاران^۴ (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر قدرت مدیرعامل بر عملکرد شرکت‌ها پرداختند. نتایج حاکی از این بود که تصمیمات مختلف در شرکت تحت تأثیر قدرت مدیرعامل می‌باشد، که در واقع بیان‌کننده تأثیر مثبت قدرت مدیرعامل بر عملکرد شرکت است.

1. Aribi et al
2. Nagata & Nguyen
3. Huang et al
4. Han et al

ژآی و وانگ^۱ (۲۰۱۶) به بررسی کیفیت اطلاعات حسابداری، کارایی اداری و سرمایه‌گذاری پرداختند. نتایج بیانگر این بود که کیفیت اطلاعات حسابداری می‌تواند سرمایه‌گذاری را بهبود بخشد که منجر به تقویت عملکرد مدیران اجرایی می‌شود. از این رو مدیران باید توجه بیشتری به قدرت بازار برای نظارت بر رفتار شرکت‌ها، بهبود عملکرد اداری اطلاعات حسابداری و افزایش کارایی تخصیص سرمایه داشته باشند. لامبرت و همکاران^۲ (۲۰۰۷) به بررسی اطلاعات حسابداری، افشا و هزینه‌های سرمایه‌پراختند. نتایج بیانگر این بود که افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری منجر به کاهش ناگهانی هزینه سرمایه می‌شود.

موسوی‌شیری و همکاران (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی رابطه بین کیفیت افشا اطلاعات حسابداری و نوسان‌پذیری بازده سهام را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر این بود که بین کیفیت افشا اطلاعات و نوسان‌پذیری بازده سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نوروش و حسینی (۱۳۸۸) به بررسی رابطه بین کیفیت افشاء (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود پرداختند. نتایج بیانگر این بود که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت سود رابطه منفی معنی‌دار وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی معنی‌دار بین به موقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود می‌باشد. ستایش و ابراهیمی‌میمند (۱۳۹۴) رابطه بین نوع مالکیت نهادی و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از این بررسی نشان‌دهنده این بود که انواع مالکان نهادی به گونه‌ای متفاوت بر کیفیت افشا اثر می‌گذارند. ملایمینی و مرفوع (۱۳۹۴) در پژوهشی رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین خطای پیش‌بینی سود و میزان تعدیلات سنوات با متغیر تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی بود و بین کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی رابطه‌ای برقرار نبود. خواجه‌وی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و هزینه‌های نمایندگی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج بیانگر این بود که در بورس اوراق بهادار تهران، کیفیت افشای اطلاعات تأثیر معناداری بر هزینه

1. Zhai & Wang

2. Lambert et al

نمایندگی ندارد.

دیدار و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثر خصوصیات شرکتی بر سطح افشاء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان دهنده این بود که خصوصیاتمانند درجه مشهود بودن دارایی‌ها، اهرم مالی و سودآوری بر سطح افشاء کل اثر گذار بوده ولی اندازه و رشد در سودآوری بر سطح افشاء کل اثر معنی‌دار ندارند. مرادزاده فرد و ابوحمز (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی اثر کیفیت افشاء بر نقدشوندگی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج بیانگر این بود که کیفیت افشاء شرکتی بر نقدشوندگی سهام اثر مثبت دارد. همچنین یافته‌های پژوهش حاکی از وجود اثر مثبت قابل اتکا بودن افشاء شرکتی بر نقدشوندگی سهام می‌باشد.

دیانتی دیلمی و ملک محمدی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاکی از این بود که از بین هفت متغیر نظام راهبری شرکت، چهار متغیر تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، استقلال هیأت مدیره و مدت تصدی مدیرعامل بر کیفیت اطلاعات مالی تأثیر مثبت و معنادار دارند. خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشاء گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از این بود که از میان معیارهای انتخابی برای راهبری شرکتی تنها متغیرهای تمرکز مالکیت و دوگانگی وظیفه مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره تأثیر مثبت معنادار و مالکیت مدیریت تأثیر منفی معناداری بر به موقع بودن افشاء گزارشگری مالی دارد. همچنین، نتایج نشان داد که متغیرهای مالکیت نهادی، اندازه هیأت مدیره و استقلال هیأت مدیره تأثیر معناداری بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی ندارند.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ نوع نتیجه، کاربردی و از لحاظ روش پژوهش تجربی از نوع پس‌رویدادی است. در پژوهش‌های پس‌رویدادی، روابط احتمالی بین متغیرها از طریق مشاهده شرایط موجود، مورد مطالعه قرار می‌گیرد که در آن، موارد مورد مطالعه در گذشته رخ داده‌اند و توسط محقق قابل دستکاری نیستند. از لحاظ روش استدلال نیز این تحقیق از نوع پژوهش‌های استقرایی است که با استفاده از مشاهده اجزایی از جامعه (نمونه)

نسبت به ارائه الگویی برای کل جامعه اقدام می‌نماید. پژوهش حاضر، از لحاظ نظریه، در زمره پژوهش‌های اثباتی قرار دارد و از لحاظ آماری از نوع تحقیقات همبستگی است که برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، رگرسیون خطی چندمتغیره به کار می‌رود. به منظور پژوهش، داده‌های کمی مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی منتشر شده در سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (شبکه کدال) و نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. در مرحله بعد، از نرم افزار آماری Excel استفاده شده است و برای آزمون‌های آماری مربوطه از نرم افزار Eviews نسخه ۹ و برای آزمون مقایسه بین دو جامعه از نرم افزار اس پی اس نسخه ۲۲ استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۶ است. که حائز شرایط زیر باشند:

۱. طی دوره پژوهش در بورس اوراق بهادار موجود باشند و تغییر سال مالی نداده باشند؛
 ۲. جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سایر واسطه‌گری‌های مالی نباشند؛ زیرا عمده فعالیت‌های این شرکت‌ها دارای ماهیت متفاوتی است؛
 ۳. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد؛ و
 ۴. اطلاعات مورد نیاز برای انجام این پژوهش در یادداشت‌های توضیحی پیوست صورت‌های مالی افشا شده باشد.
- باتوجه به محدودیت‌های بیان شده ۱۲۲ شرکت برای نمونه انتخاب شد. با در نظر گرفتن دوره زمانی پژوهش، در مجموع ۹۷۶ مشاهده (سال - شرکت) برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای وابسته:

در پژوهش حاضر بر طبق پژوهش‌های یعقوب نژاد و ذبیحی (۱۳۹۰) و ستایش و کاظم‌نژاد (۱۳۹۰)، امتیازهای سالیانه افشای شرکتی که به وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۶ محاسبه شده و از طریق اطلاعات رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر

کیفیت افشا و اطلاع رسانی مناسب منتشر می‌شود به عنوان کیفیت افشا در نظر گرفته شده است. امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته شده برای دوره‌های ۳، ۶، ۹، ۱۲ ماهه محاسبه و توسط سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۲ به بعد منتشر شده است. این امتیازها، ارزیابی بورس درباره‌ی میزان آگاهی بخشی افشای شرکتی را منعکس می‌نماید. امتیازهای مذکور، بر اساس میانگین وزنی معیارهای به موقع بودن و قابلیت اتکای اطلاعات افشا شده محاسبه می‌گردد. اطلاعات ارزیابی شده، بر اساس مقررات افشای اطلاعات در بورس، از جمله صورت‌های مالی سالیانه، صورت‌های مالی میان دوره‌ای ۳، ۶، ۹ (حسابرسی شده) و ۹ ماهه و پیش‌بینی درآمد هر سهم در مقاطع زمانی ۳، ۶، ۹، ۱۲ ماهه است. تاخیر در ارسال اطلاعات به بورس در مقایسه با مهلت‌های زمانی مقرر و تفاوت در سودهای محقق شده نسبت به پیش‌بینی‌ها برای محاسبه به موقع بودن و قابلیت اتکا افشا استفاده می‌شود. محاسبه رتبه‌ی کل برای افشای شرکتی نیازمند وزن دادن به ویژگی‌های به موقع بودن و قابلیت اتکا اطلاعات است (نوروش و حسینی، ۱۳۸۸). ضمناً در صورت عدم ارائه به موقع صورت‌های مالی حسابرسی شده پایان سال و زمان بندی پرداخت سود سهامداران، امتیاز منفی به ازای هر روی تاخیر در نظر گرفته شده است (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۸۶).

متغیر مستقل:

قدرت مدیریتی (CEO Power)

مطابق با پژوهش هان و همکاران (۲۰۱۶) و هانگ و همکاران (۲۰۱۷) با استفاده از مجموع سه شاخص دوره تصدی مدیرعامل، دومسئولیتی بودن وی و استقلال هیأت مدیره سنجیده شده است و بدین صورت در مدل آورده شده است که اگر مجموع این شاخص از ۲ بزرگتر باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ شده است. بدین ترتیب شرکت‌هایی که شاخص قدرت مدیریتی ۱ می‌گیرند، نشان از نفوذ و قدرت مدیریتی بیشتر در آن شرکت‌ها دارد.

دوره تصدی مدیرعامل: سنوات مدیریت شخص مربوط در شرکت می‌باشد و بدین صورت در مدل آورده شده که در صورتی که دوره تصدی مدیرعامل بالاتر از میانه در بین شرکت‌های نمونه باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد. بالاتر بودن دوره

تصدی مدیرعامل نشان از قدرت بیشتر وی می‌باشد (هازاریکا، کارپوف و ناهاتا^۱، ۲۰۱۲). برای اندازه‌گیری این متغیر سال پایه ۱۳۸۷ در نظر گرفته شده است. دوگانگی نقش مدیرعامل: در صورتی که مدیرعامل همزمان به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیأت مدیره در شرکت به فعالیت پردازد نشان از نفوذ بیشتر وی در شرکت دارد، بنابراین عدد ۱ لحاظ شده و در غیر اینصورت صفر در نظر گرفته می‌شود (خلیف^۲، ۲۰۰۸؛ عباسی و کلاتری، ۱۳۹۳؛ آقایی و همکاران، ۱۳۸۸).

استقلال هیأت مدیره: به صورت تقسیم نسبت اعضای هیأت مدیره غیرموظف به کل اعضای هیأت مدیره و در صورتی که شاخص استقلال پایین‌تر از میانه در بین شرکت‌های نمونه باشد نشان از قدرت بیشتر مدیرعامل دارد و در نتیجه عدد ۱ لحاظ می‌شود و در غیر اینصورت عدد صفر می‌گیرد (دیمیتروپولوس و آستریو^۳، ۲۰۱۰).

متغیرهای کنترلی

سودآوری شرکت (ROA)

از بازده دارایی‌ها (نسبت سودخالص تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت) به مثابه معیاری از سودآوری شرکت استفاده می‌شود، رابطه محاسباتی بازده دارایی‌ها به صورت زیر می‌باشد (ستایش و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۰؛ سان و لو، ۲۰۱۷).

$$ROA = \frac{\text{Net income}}{\text{total assets}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

اندازه شرکت (Size)

با استفاده از متغیر لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها برای سنجش اندازه شرکت استفاده شده است و به صورت زیر (رابطه ۲) محاسبه می‌شود (ستایش و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۰؛ یعقوب‌نژاد و ذبیحی، ۱۳۹۰؛ السعید^۴، ۲۰۰۵).

$$Size = Ln(TA) \quad \text{رابطه (۲)}$$

در این رابطه TA برابر است با جمع کل دارایی‌های شرکت.

رشد شرکت (Growth)

1. Hazarika, Karpoff & Nahata
2. Kholeif
3. Dimitropoulos & Asteriou
4. Alsaeed

از رشد درآمد عملیاتی شرکت حاصل می‌گردد، رابطه محاسباتی رشد شرکت به صورت زیر (رابطه ۳) می‌باشد (اخگر و کرمی، ۱۳۹۳؛ اسکینر و اسلون^۱، ۲۰۰۲).

$$\text{Growth} = \frac{\text{Sales revenue}_t - \text{Sales revenue}_{t-1}}{\text{Sales revenue}_{t-1}} \quad \text{رابطه (۳)}$$

اهرم مالی شرکت (Leverag):

نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها معرف اهرم مالی شرکت بوده و نشان دهنده میزان تأمین مالی بلندمدت برون شرکتی واحد تجاری است که از طریق رابطه زیر (رابطه ۴) محاسبه می‌شود (ستایش و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۰؛ یعقوب‌نژاد و ذبیحی، ۱۳۹۰؛ کارامونو و وافیز^۲، ۲۰۰۵).

$$\text{Leverage} = \frac{\text{long-term debt}}{\text{total assets}} \quad \text{رابطه (۴)}$$

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری و الگوهای اقتصادسنجی استفاده شده است. که در ادامه به تفصیل تشریح می‌گردند. در ابتدا مدل‌های آزمون فرضیه‌ها آورده شده‌است، پس از آن، آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد نظر ارائه می‌شوند. سپس الگوهای مورد نظر به کمک الگوهای اقتصادسنجی برآورد و فرضیه‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرند.

مدل آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل سان و لو (۲۰۱۷) استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل شماره ۱.

$$\text{Disclosure}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEO Power}_{i,t} + \beta_2 \text{Firm Size}_{i,t} + \beta_3 \text{Firm Leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{Firm ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{Firm Growth}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

همچنین برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل شماره ۲.

$$\text{Timeliness}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEOPower}_{i,t} + \beta_2 \text{Firm Size}_{i,t} + \beta_3 \text{Firm Leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{Firm ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{Firm Growth}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

1. Skinner & Sloan
2. Karamanou & Vafeas

و در نهایت، برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل شماره ۳ به شرح زیر استفاده شده است.

$$\text{Reliability}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{CEO Power}_{i,t} + \beta_2 \text{Firm Size}_{i,t} + \beta_3 \text{Firm Leverage}_{i,t} + \beta_4 \text{Firm ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{Firm Growth}_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

آمار توصیفی

یافته‌های توصیفی حاصل از این پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار و اختلاف میانگین طی جداول ذیل ارائه می‌شود. همچنین شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای مربوط به هر یک از مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش به صورت مجزا ارائه گردیده است. آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش به تفکیک کل گروه شرکت‌ها، گروه شرکت‌های با قدرت مدیریت و گروه شرکت‌های بدون قدرت مدیریت به ترتیب در جداول شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

جدول ۲. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح کل گروه شرکت‌ها

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشترین مقدار	کمترین مقدار
کیفیت افشا	۷۲/۵۱۴	۷۷/۶۶۶	۱۹/۴۱۵	۹۹/۹۰۶	۴/۳۱۰
به موقع بودن	۸۱/۳۹۵	۸۶/۷۴۴	۱۸/۶۲۵	۱۰۰	۱/۴۸۸
قابلیت اتکا	۵۵/۱۵۰	۶۳/۴۳۲	۳۲/۲۶۰	۹۹/۸۶۹	۰
قدرت مدیریت	۰/۳۸۷	۰	۰/۴۸۷	۱	۰
سودآوری	۰/۱۰۷	۰/۰۹۴	۰/۱۲۷	۰/۴۹۹	-۰/۱۹۳
اندازه شرکت	۱۴/۴۳۵	۱۴/۲۳۰	۱/۴۳۷	۱۸/۷۳۹	۱۱/۵۷۸
رشد شرکت	۰/۱۶۰	۰/۱۳۲	۰/۳۳۴	۰/۹۵۳	-۰/۴۹۳
اهرم مالی	۰/۵۹۵	۰/۶۱۷	۰/۱۹۵	۰/۹۴۹	۰/۱۴۴

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود در بین متغیرها به موقع بودن با مقدار ۸۱/۳۹۵ دارای بالاترین میانگین و سودآوری با مقدار ۰/۱۰۷ دارای کمترین میانگین است؛ همچنین قابلیت اتکا با مقدار ۳۲/۲۶۰ از انحراف معیار و دامنه گسترده‌تری بیشتری برخوردار است که نشان دهنده این است که قابلیت اتکا اطلاعات در اکثر شرکت‌ها از میانگین فاصله زیادی دارد و بیانگر این است که اطلاعات ارائه شده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران آن‌چنان از قابلیت اتکا برخوردار نیستند. سودآوری با مقدار

۰/۱۲۷ از انحراف معیار و دامنه گسترده‌تری کمتری برخوردار است. نزدیکی میانگین و میانه متغیرهای پژوهش حاکی از برخورداری توزیع نرمال در میان متغیرهای پژوهش است. در ادامه، آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش در دو گروه شرکت‌های با قدرت مدیریتی و شرکت‌های بدون قدرت مدیریتی را نشان می‌دهد. اختلاف میانگین‌ها از طریق تفاضل میانگین شرکت‌های دارای قدرت مدیریت از میانگین شرکت‌های بدون قدرت مدیریت بدست آمده است.

جدول ۳. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در سطح گروه شرکت‌های دارای قدرت مدیریت و بدون قدرت مدیریت

آماره آزمون مقایسه میانگین در دو جامعه مستقل	اختلاف میانگین (۲)-(۱)	شرکت‌های بدون قدرت مدیریت (۲)			شرکت‌های دارای قدرت مدیریت (۱)			متغیرهای پژوهش
		۵۸۹ مشاهده (سال - شرکت)			۳۸۷ مشاهده (سال - شرکت)			
		انحراف معیار	میانه	میانگین	انحراف معیار	میانه	میانگین	
-۱/۴۵۸	-۱/۹۵۹	۱۹/۱۱۴	۷۸/۴۷۰	۷۳/۳۳۴	۱۹/۸۵۵	۷۵/۳۴۶	۷۱/۳۷۵	کیفیت افشا
-۲/۵۸۲*	-۳/۱۵۱	۱۸/۴۱۲	۸۸/۳۷۲	۸۲/۴۱۶	۱۸/۸۱۹	۸۴/۳۰۲	۷۹/۲۶۵	به موقع بودن
۰/۳۴۱	۰/۷۲۴	۳۲/۲۷۰	۶۲/۸۱۳	۵۴/۸۷۰	۳۲/۲۸۲	۶۳/۹۸۴	۵۵/۵۹۴	قابلیت اتکا
-	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	قدرت مدیریت
-۱/۹۲۵	-۰/۰۱۶	۰/۱۲۸	۰/۰۹۶	۰/۱۱۴	۰/۱۲۴	۰/۰۹۱	۰/۰۹۸	سودآوری
۲/۷۴۸*	۰/۲۵۸	۱/۳۸۷	۱۴/۱۴۵	۱۴/۳۳۵	۱/۵۰۱	۱۴/۴۰۵	۱۴/۵۹۳	اندازه شرکت
۱/۴۶۷	-۰/۰۴۹	۰/۳۳۱	۰/۱۱۷	۰/۱۴۷	۰/۱۲۴	۰/۰۹۱	۰/۰۹۸	رشد شرکت
۵/۱۰۸*	۰/۰۶۲	۰/۲۰۴	۰/۵۸۸	۰/۵۷۱	۰/۱۷۳	۰/۶۵۳	۰/۶۳۳	اهرم مالی

با توجه به مقایسه دو جامعه مستقل که در ستون آخر جدول ۳ نشان داده شده است، ملاحظه می‌شود که کیفیت افشای اطلاعات حسابداری، قابلیت اتکای اطلاعات،

سودآوری و رشد شرکت در دو گروه شرکت‌های دارای قدرت مدیریت و بدون قدرت مدیریت تفاوت معناداری ندارند، در صورتی که به موقع بودن اطلاعات حسابداری، اندازه شرکت و اهرم مالی در دو گروه شرکت تفاوت معناداری دارند (که با علامت ستاره مشخص شده‌اند)، به گونه‌ای که در شرکت‌های دارای قدرت مدیریت به موقع بودن اطلاعات حسابداری کمتر و اهرم مالی و اندازه شرکت بیشتری از شرکت‌های بدون قدرت مدیریت دارند، بنابراین انتظار می‌رود فرضیه دوم پژوهش تأیید شود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

پیش از تخمین مدل‌های پژوهش، ضمن تعیین روش تخمین داده‌های ترکیبی، به بررسی مفروضات الگوهای رگرسیونی پرداخته شد. آزمون‌های چاو، هاسمن و بروش پاگان از روش اثرهای ثابت برای تخمین داده‌های ترکیبی پژوهش حمایت کرد که نتایج آن در قسمت پایین جدول‌های ۴، ۵ و ۶ آورده شده است. جدول‌های ۴، ۵ و ۶ نتایج رگرسیون مدل اول، دوم و سوم پژوهش را نشان می‌دهند.

جدول ۴. نتایج آزمون آماری فرضیه اول پژوهش

$Disclosure_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CEO Power_{i,t} + \alpha_2 Firm Size_{i,t} + \alpha_3 Firm Leverage_{i,t} + \alpha_4 Firm ROA_{i,t} + \alpha_5 Firm Growth_{i,t} + \epsilon_{i,t}$			
متغیر	ضریب	آماره T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۷۴/۸۷۲	۲/۹۷۳	۰/۰۰۳
قدرت مدیریت	۰/۸۲۴	۰/۶۸۳	۰/۴۹۴
سودآوری	۲۶/۰۱۴	۳/۰۸۲	۰/۰۰۲
اندازه شرکت	-۰/۲۲۴	-۰/۱۲۹	۰/۸۹۶
رشد شرکت	۱/۸۶۹	۱/۲۲۸	۰/۲۱۹
اهرم مالی	-۴/۲۷۲	-۰/۶۹۵	۰/۴۸۷
ضریب تعیین	۰/۵۶۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۹۷
آماره F	۸/۲۶۹	سطح معناداری F	۰/۰۰۰
آماره آزمون بروش پاگان	۳۱۹/۳۵۱	سطح معناداری آزمون بروش پاگان	۰/۰۰۰
آماره آزمون چاو	۵/۳۰۳	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰
آماره آزمون هاسمن	۶۲/۵۸۹	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰
آماره دوربین واتسون	۱/۵۴۹		
نتیجه جهت برازش مدل	مدل با اثرات ثابت		

همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می شود، آماره F و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان دهنده معنادار بودن الگوی پژوهش می باشد. بنابراین متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. آماره تی استیودنت ۰/۶۸۳ و سطح معناداری متغیر قدرت مدیریت ۰/۴۹۴ نشان دهنده این است که بر خلاف انتظار افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش کیفیت افشای اطلاعات نمی شود، بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید نمی شود.

علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۴۹۷ است. لذا ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد. برای بررسی خود همبستگی باقیمانده های مدل رگرسیون از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین واتسون ۱/۵۴۹ نشان دهنده عدم خود همبستگی باقیمانده های مدل رگرسیون است. همچنین بر اساس نتایج جدول ۴، متغیر کنترلی سودآوری با سطح معناداری ۰/۰۰۲ نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معناداری بین سودآوری و کیفیت افشای اطلاعات حسابداری است. پس از این، به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیریت و به موقع بودن اطلاعات حسابداری، مدل دوم پژوهش برازش می شود. نتیجه برآورد مدل ۲ در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون آماری فرضیه دوم پژوهش

Timeliness _{i,t} = + ₁ CEOPower _{i,t} + ₂ Firm Size _{i,t} + ₃ Firm Leverage _{i,t} + ₃ FirmROA _{i,t} + ₃ Firm Growth _{i,t} + ₀			
متغیر	ضریب	آماره T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۳۱/۲۳۴	۲۶/۴۵۳	۰/۰۰۰
قدرت مدیریت	-۱/۶۲۱	-۲/۳۲۴	۰/۰۲۰
سودآوری	۱۲/۱۲۸	۲/۹۳۳	۰/۰۰۳
اندازه شرکت	-۲/۹۶۱	-۱۰/۱۲۵	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۴/۴۴۹	۲/۳۶۴	۰/۰۱۸
اهرم مالی	-۱۷/۶۳۴	-۸/۶۷۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۱۹۷	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۸۷
آماره F	۱۹/۶۹۶	سطح معناداری F	۰۰۰/۰
آماره آزمون پرورش پاگان	۳۹۲/۵۶۸	سطح معناداری آزمون پرورش پاگان	۰/۰۰۰
آماره آزمون چاو	۶/۱۹۹	سطح معناداری آزمون چاو	۰/۰۰۰
آماره آزمون هاسمن	۷۲/۵۲۵	سطح معناداری آزمون هاسمن	۰/۰۰۰

آماره دوربین واتسون	۱/۸۵۴
نتیجه جهت برازش مدل	مدل با اثرات ثابت

آماره F و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ در فرضیه دوم، همانند فرضیه اول بیان کننده معناداری الگوی پژوهش است. بنابراین متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. آماره تی استیودنت ۲/۳۲۴- و سطح معناداری متغیر قدرت مدیریت ۰/۰۲۰ نشان دهنده این است که بر طبق انتظار افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش به موقع بودن اطلاعات حسابداری می شود، بنابراین فرضیه دوم پژوهش تایید می شود.

علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۸۷ است. لذا ۱۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد. برای بررسی خود همبستگی باقیمانده های مدل رگرسیون از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین واتسون ۱/۸۵۴ نشان دهنده عدم خود همبستگی باقیمانده های مدل رگرسیون است. همچنین براساس نتایج جدول ۵. متغیرهای کنترلی سودآوری و رشد در فرضیه دوم پژوهش با سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای سودآوری و رشد شرکت با به موقع بودن اطلاعات حسابداری است، در حالی که متغیرهای اندازه شرکت و اهرم مالی دارای رابطه منفی و معنادار با به موقع بودن اطلاعات حسابداری می باشند. به منظور، بررسی فرضیه سوم پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیریت و قابلیت اتکا اطلاعات حسابداری، مدل سوم پژوهش برازش می شود. نتیجه برآورد مدل ۳ در جدول ۶ درج شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون آماری فرضیه سوم پژوهش

$Reliability_{i,t} = +_1CEOPower_{i,t} + _2Firm\ Size_{i,t} + _3Firm\ Leverage_{i,t} + _3FirmROA_{i,t} + _3Firm\ Growth_{i,t} + _0$			
متغیر	ضریب	آماره T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۵۲/۸۷۵	-۱/۱۳۴	۰/۲۵۶
قدرت مدیریت	۳/۴۵۱	۱/۵۴۶	۰/۱۲۲
سودآوری	۳۱/۸۱۳	۲/۰۳۶	۰/۰۴۲
اندازه شرکت	۷/۹۵۹	۲/۴۸۳	۰/۰۱۳
رشد شرکت	-۶/۳۰۸	-۲/۲۳۸	۰/۰۲۵
اهرم مالی	-۱۷/۷۹۴	-۱/۵۶۴	۰/۱۱۸

۰/۳۷۶	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۶۱	ضریب تعیین
۰/۰۰۰	سطح معناداری F	۵/۴۳۰	آماره F
۰/۰۰۰	سطح معناداری آزمون پرورش پاگان	۱۲۱/۳۲۵	آماره آزمون پرورش پاگان
۰/۰۰۰	سطح معناداری آزمون چاو	۳/۳۵۳	آماره آزمون چاو
۰/۰۰۰	سطح معناداری آزمون هاسمن	۲۳/۸۲۲	آماره آزمون هاسمن
۱/۶۸۶			آماره دوربین واتسون
مدل با اثرات ثابت		نتیجه برازش مدل	

آماره F و سطح معناداری آن $۰/۰۰۰$ در فرضیه سوم، همانند فرضیه اول و دوم بیان کننده معناداری الگوی پژوهش است. بنابراین متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. آماره تی استیودنت $۱/۵۴۶$ و سطح معناداری متغیر قدرت مدیریت $۰/۱۲۲$ نشان دهنده این است که بر خلاف انتظار افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری نمی شود، بنابراین فرضیه سوم پژوهش تایید نمی شود. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده $۰/۳۷۶$ است. لذا ۳۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را می توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد. برای بررسی خود همبستگی باقیمانده های مدل رگرسیون از آزمون دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین واتسون $۱/۶۸۶$ نشان دهنده عدم خود همبستگی باقیمانده های مدل رگرسیون است. همچنین بر اساس جدول ۶. متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت با سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار و متغیر رشد شرکت دارای رابطه منفی و معنادار با قابلیت اتکا اطلاعات حسابداری می باشند.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش ۱۲۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ به عنوان نمونه انتخاب شده است. قدرت مدیریت و تأثیر آن بر کیفیت افشای اطلاعات، به موقع بودن اطلاعات و قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری، با استفاده از روش تحلیل تجربی بررسی شده است. در این پژوهش قدرت مدیریت، با استفاده از مجموع دوره تصدی مدیریت، دوگانگی نقش مدیرعامل و استقلال هیأت مدیره اندازه گیری شده است. از روش های هان و همکاران (۲۰۱۶) و هانگ و همکاران (۲۰۱۷) برای اندازه گیری قدرت مدیریت و بر طبق پژوهش یعقوب نژاد و ذبیحی (۱۳۹۰) و ستایش و

همکاران (۱۳۹۰) برای اندازه‌گیری کیفیت افشای اطلاعات حسابداری استفاده شده است. در پژوهش حاضر تأثیر قدرت و نفوذ مدیرعامل بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری بررسی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف انتظار مطرح شده در فرضیه اول، افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش کیفیت افشای اطلاعات حسابداری نمی‌شود، بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید نمی‌شود.

شاید بتوان این موضوع را به استفاده مالکان از سیستم‌های نظارت بر عملکرد مدیریت همچون حاکمیت شرکتی ارتباط داد. به این صورت که سیستم حاکمیت شرکتی قوی تلاش می‌کند با نظارت مناسب بر مدیریت، از رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت برای تأثیرگذاری بر کیفیت افشای اطلاعات حسابداری که در جهت دستیابی به منافع شخصی صورت می‌گیرد جلوگیری کند، بنابراین وجود سیستم حاکمیت شرکتی قوی را می‌توان مکمل کیفیت افشای اطلاعات حسابداری در شرکت دانست.

یافته‌های آزمون فرضیه دوم بیانگر این است که افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش به موقع بودن اطلاعات حسابداری می‌شود، بنابراین فرضیه دوم پذیرفته می‌شود. در واقع مدیران از قدرت خویش در راستای زمان‌بندی افشای اطلاعات بهره می‌جویند.

و در نهایت، یافته‌های آزمون فرضیه سوم بیانگر این است که افزایش قدرت مدیرعامل سبب کاهش قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری نمی‌شود، بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود. در واقع مدیریت از قدرت خویش در جهت اثرگذاری بر قابلیت اتکای اطلاعات استفاده نمی‌کند که می‌توان به وجود سیستم نظارت قوی در شرکت اشاره کرد که از تأثیرگذاری مدیریت بر قابلیت اتکای اطلاعات حسابداری جلوگیری می‌کند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش با یافته‌های سان و لو (۲۰۱۷)، خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) و دیانتی‌دیلمی و ملک‌محمدی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد در حالی که با یافته‌های گل و لئونگ (۲۰۰۴) مطابقت ندارد.

نتایج این پژوهش به عنوان بخشی از ساختار حاکمیت شرکتی دارای اهمیت می‌باشد. مدیران شرکت‌ها به ناچار تأثیر بیشتری بر اطلاعات حسابداری خواهند گذاشت و میزان تأثیر آن‌ها به میزان قدرت مدیریت بستگی دارد. تأثیر قدرت رهبری بر کیفیت اطلاعات حسابداری نباید نادیده گرفته شود. این بدان معنی است که در زمینه وضعیت فعلی نظام اقتصادی بازار سوسیالیستی کشور اگر به دنبال بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری هستیم،

باید ساختار سازمانی شرکت‌ها و ساختار حاکمیت شرکتی را به طور موثر بهبود بخشید و قوانین و مقرراتی تدوین شود که محدودیت‌های مدیریتی را تقویت کند تا کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت و شفافیت اطلاعات حسابداری بهبود یابد.



منابع

- آقایی، محمد علی؛ اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل؛ چالاک، پری. (۱۳۸۸). «ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نقش مدیریت سود». فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال ۱۶، شماره ۴، صص ۲۷-۵۸.
- اخگر، محمدمید؛ کرمی، افشار. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». بررسی‌های حسابداری، سال ۱، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- خدادادی، ولی؛ نیک‌کار، جواد؛ ویسی، سجاد. (۱۳۹۵). «تأثیر معیارهای راهبری شرکتی بر به موقع بودن افشای گزارشگری مالی». فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۳، شماره ۵۲، صص ۵۳-۷۴.
- خواجه‌وی، شکرالله؛ فتحه، محمدحسین؛ نجفی، زهرا. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و هزینه نمایندگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مجله دانش حسابداری، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۶۷-۸۹.
- دیانتی‌دیلمی، زهرا؛ ملک‌محمدی، هادی. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مجله دانش حسابداری، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۵۱-۱۷۰.
- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ خجسته، هیوا. (۱۳۹۰). «اثر خصوصیات شرکتی بر سطح افشاء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۹، شماره ۳۲، صص ۱۴۱-۱۶۸.
- ستایش، محمدحسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی. (۱۳۹۰). «شناسایی و تبیین عوامل موثر بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». پیشرفت‌های حسابداری، سال ۴، شماره ۱۷، صص ۴۹-۷۹.
- ستایش، محمدحسین؛ ابراهیمی‌میمنند، مهدی. (۱۳۹۴). «رابطه بین نوع مالکیت نهادی و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران». فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۸، صص ۵۳-۷۵.
- عباسی، مجید؛ کلانتری، الهام. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بردوگانگی وظیفه مدیرعامل». فصلنامه روند، سال ۲۱، شماره ۶۵، صص ۱۴۵-۱۷۴.

موسوی شیری، محمود؛ سلیمانی، حمید؛ مومنی، یوسف؛ سلیمانی، حجت. (۱۳۹۴). «رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات حسابداری و نوسان‌پذیری بازده سهام». *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۳۱-۱۴۴.

مرادزاده‌فرد، مهدی؛ ابوحمز، مینا. (۱۳۹۰). «اثر کیفیت افشاء بر نقدشوندگی سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۷۳-۱۰۲.

ملایمینی، وحید؛ مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). «رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی». *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال ۱۲، شماره ۴۵، صص ۵۱-۷۱.

نوروش، ایرج؛ سیدعلی، حسینی. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود». *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۶، شماره ۵، صص ۱۱۷-۱۳۴*.

همت‌فر، محمودی؛ منصور، مقدسی. (۱۳۹۲). «بررسی کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) بر ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۲۰، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۴۷*.

هندریکسن، الدون اس؛ ون‌بردا، مایکل اف. (۱۳۸۸). *تئوری حسابداری، علی پارسائیان، تهران، ترمه*.

هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۸۶). «دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان».

یعقوب‌نژاد، احمد، ذبیحی، علی. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین کیفیت افشاء و نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ۴، شماره ۲، صص ۲۱۷-۲۳۵*.

Alsaeed, K. (2005). The Association Between Firm Characteristics and Disclosure. *Journal of American Academy of Business*, 7 (1), 310- 321.

Aribi, Z. A. Alqatamin, R. M. & Arun, T. (2018). «Gender Diversity on Boards and Forward-Looking Information Disclosure: Evidence from Jordan». *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 8(2), 205-222.

- Bowrin, A. R. (2008). « International Accounting Standards and Financial Reporting Quality in Trinidad and Tobago», *Business, finance and economics in emerging economies*, 3(2), 119-150.
- Berger, R., Dutta, S., Raffel, T., & Samuels, G. (2016). *Innovating at the Top: How Global CEOs Drive Innovation for Growth and Profit: Palgrave Macmillan.*
- Desai, H., Rajgopal, S., & Venkatachalam, M. (2004). «Value-glamour and Accruals Mispricing: One Anomaly or two?». *The Accounting Review*, 79 (2), 355-385.
- Daily, C. M., & Johnson, J. L. (1997). «Sources of CEO Power and Firm Financial Performance: A Longitudinal Assessment». *Journal of Management*, 23 (2), 97-117.
- Dimitropoulos, P. E., & Asteriou, D. (2010). «The Effect of Board Composition on the Informativeness and Quality of Annual Earnings: Empirical Evidence from Greece». *Research in International Business and Finance*, 24 (2), 190-205.
- Forbes, S. J., Lederman, M., & Wither, M. J. (2018). «Quality Disclosure when Firms Set their Own Quality Targets». *International Journal of Industrial Organization*, 61(3), 1-36.
- FASB (1978). «Objectives of Financial Reporting by Business Enterprises», *Statement of Financial Accounting, Concept No.1.*
- Glaeser, S. (2018). «The Effects of Proprietary Information on Corporate Disclosure and Transparency: Evidence from Trade Secrets». *Journal of Accounting and Economics*, 66 (1), 163-193.
- Gul, F. A., & Leung, S. (2004). «Board Leadership, Outside Directors Expertise and Voluntary Corporate Disclosures». *Journal of Accounting and Public Policy*, 23(5), 351-379.
- Huang, J., Jain, B. A., & Shao, Y. (2017). «CEO Power, Product Market Competition and the Acquisition Motive for Going Public». *Accounting & Finance, Online Early*, 31(2), 1-29.